



ریحانه برای تولدش دوستانش را دعوت کرده بود و به این فکر می کرد از زمان کودکی تا به الان چقدر بزرگ شده و چه تغییراتی در خانواده شان ایجاد شده است . او نمی دانست که چه تعدادی از دوستانش به تولدش می آیند. مادرش به او گفت: « برای خوراکی و نوشیدنی های گوناگونی که می خواهی آماده کنی، باید تقریبی بالاتر از تعدادی که دعوت کرده ای تدارک ببینی تا خدایی نکرده کم نیاید. »

ریحانه خواهرش را برای کمک و تزئین خانه صدا زد. وقتی به اطراف نگاه کرد، به موضوع روزنامه دیواری که در مورد «آلودگی صوتی و حالت مواد» بود، فکر کرد. به یاد حرف های معلم افتاد که می گفت: «مواد دور و بر ما به سه حالت جامد، مایع و گاز هستند. وقتی چشمش به خوراکی های روی میز که چیده شده بود افتاد پیش خود شروع به دسته بندی مواد کرد. جامدات مانند: شیرینی ها ؛ مایعات : شربت ها و گازها : بادکنک هایی که با گاز هلیوم پر شده بود. »

زمانی که مهمان ها رسیدند، صدای همهمه، صدای ضبط صوت و دست زدن بلند شد به یاد این افتاد که این صداها آلودگی صوتی محسوب می شود.